

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

**جلوه پاسداری از اعتقاد**

**در**

**نور خدا حضرت امام جواد علیه السلام**

۶ آذر ۱۳۸۷

۲۷ ذی القعدة ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

### شناخت حضرت امام جواد عليه السلام

بار دیگر با قرار گرفتن در ایام متعلق به یک امام معصوم عليه السلام سخن از معرفت به مقام عصمت به میان می‌آید. در چنین موقعیتی است که اندیشمندان و متفکران از سر عجز زانو زده و به عظمت مقام مورد بحث اقرار می‌کنند. از آنجا که نه عقول ما توان درک فضائل اهل بیت عليهم السلام را دارد و نه زبان ما قادر است که گویای فضائل ایشان باشد، بهترین و شیواترین سخن برای شناخت فضائل و شخصیت ایشان همان منبع وحی الهی است. بسیار مناسب است که برای شناخت هر چه بهتر شخصیت امام جواد عليه السلام به حدیث لوح مراجعه کنیم. خصوصیت این حدیث قدسی در این است که شخصیت اهل بیت عليهم السلام را در حد استعداد و قابلیت ما ترسیم نموده است. در این حدیث شریف خداوند متعال امام جواد عليه السلام را چنین معرفی می‌نماید:

« حقّ القول منّي لأسرتّه بمحمّدٍ إبنه وخليفته من بعده ووارث علمه فهو

معدن علمی و موضع سرّی و حجّتی علی خلقی لا یؤمن عبداً به إلا جعلت  
الجتّة مثواه و شفعته فی سبعین من أهل بیته کلّهم قد استوجبوا النار»<sup>(۱)</sup>.

امام رضا علیه السلام را به وسیله پسرش محمد شاد می گردانم و محمد را  
خلیفه و وارث پدرش قرار می دهم. او [امام جواد علیه السلام] گنجینه علم  
من، جایگاه اسرار من و حجّت من بر بندگان می باشد. کسی به او  
ایمان نمی آورد مگر اینکه بهشت را جایگاه او قرار می دهم و او را  
شفیع هفتاد نفر از خانواده اش که مستحقّ آتش بوده اند قرار می دهم.

بر اساس این حدیث شریف شخصیت و فضیلت حضرت امام جواد علیه السلام در  
حدّی می باشد که اگر کسی به ایشان ایمان بیاورد در ردیف شفیعان روز قیامت  
قرار می گیرد. این بیان خداوند متعال عظمت شگرفی برای جواد الائمه علیهم السلام  
تصویر می کند اما به دو دلیل زبان ما یارای بازگو کردن فضائل و شخصیت هیچ  
یک از اهل بیت علیهم السلام را ندارد؛

#### دلیل اول:

اهل بیت علیهم السلام به لحاظ شخصیتی دارای فضیلت های والا بوده، و نیز حامل  
علوم و اسرار الهی می باشند که از محدوده ادراک و توان فهم ما بیرون است؛ لذا  
سخن گفتن در مورد ایشان، بدون کمک گرفتن از منبع وحی الهی کاری بسیار  
دشوار می باشد.

#### دلیل دوم؛

در مورد برهه ای از تاریخ صحبت می کنیم که در آن تمام معیارها و موازین

۱- کافی، جلد ۱ صفحه ۵۲۸.

شرعی، به دلیل تغییر در نگرش‌ها، فراموش شده بود و یا با تفاسیر غلط ماهیت آن تفاوت پیدا کرده و موجب این شده بود که از محتوا خالی بشوند؛ لذا با توجه به این موقعیت خاص و به دلیل نبودن زمینه مناسب، صاحبان چنین فضیلت‌هایی نتوانستند فضیلت‌های خود را بروز داده و به تجلی برسانند.

### شناخت شخصیت و زمان حضرت امام جواد علیه السلام

در میان حضرات ائمه علیهم السلام، حضرت امام جواد علیه السلام جوان‌ترین امام به شمار می‌آیند. ایشان حدود ۲۵ سال عمر کردند<sup>(۱)</sup> ولی در این مدت، زمینه تجلی فضائل به هیچ وجه موجود نبود. البته عدم تجلی فضائل دلیل بر این مطلب نیست که ایشان دارای این فضائل نبودند. عامل وراثت، دلیلی بر فضیلت ایشان محسوب می‌شد. طبق این عامل، چون فضیلت‌هایی در پدران امام جواد علیه السلام موجود بود؛ طبیعتاً در خود ایشان هم باید این فضائل موجود باشد. همه اهل بیت علیهم السلام فضائل را یکی پس از دیگری تا پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از پدران معصومشان علیهم السلام دریافت نموده‌اند.

عامل دیگر که فضیلت امام جواد علیه السلام را به اثبات می‌رساند؛ همان تنصیص بر امامت ایشان می‌باشد که از ناحیه خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، سپس به امیرالمؤمنین علیه السلام و بعد به یک یک امامان علیهم السلام رسیده است. لازمه این تنصیص این است که صاحب آن دارای آگاهی و دانشی باشد، دانش و آگاهی‌ای که تمامی خلائق و عالمان زمان با او توان برابری نداشته باشند.

عامل دیگری که فضیلت ایشان را به اثبات می‌رساند تنزیه و طهارت ایشان از هر گونه آلودگی و پلیدگی می‌باشد که همان مقام عصمت می‌باشد.

به هر جهت، علی رغم عمر کوتاه و بسیاری از ممنوعیت‌ها و فشارها، امروز اسلام در بسیاری از معارف و حقایق مدیون حضرت امام جواد علیه السلام می‌باشد. با بررسی کتب روایی مشاهده می‌کنیم که بالغ بر ۳۰۰ نفر از امام جواد علیه السلام روایت نقل می‌کنند و از شاگردان و محدثین بلا واسطه حضرت امام جواد علیه السلام می‌باشند. امام جواد علیه السلام ۵ ساله بودند که پدر بزرگوارشان حضرت امام رضا علیه السلام از او جدا شده و از مدینه به طوس تبعید شدند. ایشان بیش از سه سال دور از پدر، در مدینه زندگی کردند تا اینکه در آستانه ۹ سالگی پدر بزرگوار خود را از دست دادند. ایشان تقریباً دو سال پس از شهادت پدر بزرگوارشان علیه السلام به دربار خلافت تبعید شدند و تمام عمر را زیر چتر محدودیت حکومت عباسی گذراندند این فشارها و محدودیت‌ها تا حدی بود که حضرت علیه السلام مجبور بودند با همسری که جاسوس خلیفه در خانه ایشان بود، زندگی کنند. ایشان بعد از مرگ مأمون حدوداً دو سال تحت حکومت خلیفه ظالم دیگری به نام معتصم عباسی زندگی کردند.

اگر امتی از برکات وجودی چنین شخصیتی بهره‌مند نشده و عظمت و جایگاه ایشان را درک نکنند و به وظیفه اطاعت خود کاملاً عمل نکنند؛ به شخصیت امام علیه السلام لطمه‌ای وارد نمی‌شود و از امام علیه السلام چیزی کاسته نمی‌شود. در این میان؛ تنها خسارتی فرهنگی و علمی بر امت اسلامی وارد شد و ضرر و زیان آن، همان عصر و عصور متأخر را دربر گرفت.

### بشارت حضرت امام رضا علیه السلام به ولادت حضرت امام جواد علیه السلام

« عن کلیم بن عمران : ... فلما ولد أبو جعفر علیه السلام ، قال الرضا علیه السلام لأصحابه : قد ولد لي شبيه موسى بن عمران فالق البحار وشبيه عیسی ابن مریم قدّست أمّ ولدته قد خلقت طاهرة مطهرة ... »<sup>(۱)</sup> .

زمانی که امام جواد علیه السلام متولد شدند، امام رضا علیه السلام به اصحاب خویش فرمودند: صاحب فرزندى شدم که شبیه موسی بن عمران علیه السلام شکافنده دریاست و شبیه عیسی ابن مریم علیه السلام است که مادر او مقدّس و پاک بود.

امام رضا علیه السلام فرزند خویش را به دو تن از انبیاء اولوا العزم علیهم السلام تشبیه فرمودند. وجه شبه در این دو تشبیه چیست؟ طبق روایت، وجه شباهت بین حضرت امام جواد علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام فالق البحار می باشد. داستان شکافته شدن دریا، به صورت مفصل، در قرآن کریم هم در سوره شعرا و هم در دیگر سوره ها بیان شده است. خداوند می فرماید:

﴿ فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطُّورِ الْعَظِيمِ ﴾<sup>(۲)</sup> .

پس ما به موسی وحی کردیم که عصای خود را به دریای نیل بزن،

۱- بحار الأنوار، جلد ۵۰ صفحه ۱۵.

۲- سوره شعرا، آیه ۶۳.

چون زد و دریا شکافت، آب هر قطعه دریا مانند کوهی بزرگ به روی هم قرار گرفت.

این ماجرا مربوط به زمانی است که از جانب خداوند متعال وحی رسید که مصر را رها کرده و به همراه بنی اسرائیل به سمت سرزمین فلسطین حرکت کنید. موسی علیه السلام همراه قوم بنی اسرائیل حرکت کردند، تا به کنار دریا رسیدند. این بن بست مردم را به وحشت انداخت و بنی اسرائیل خود را در چنگال سپاه فرعون اسیر دیدند؛ وحی رسید که موسی علیه السلام عصای خود را به آب دریا بزند تا از میان دریا حرکت کرده و به راه خود ادامه دهند. قوم بنی اسرائیل که تشکیل شده از طایفه‌های دوازده گانه بودند، گفتند: ای پیامبر خدا: همگی ما از یک طریق نمی‌رویم، بلکه هر فرقه‌ای باید از طریق خاص خودش حرکت کند. به امر خدا ۱۲ کوچه تشکیل شد و هر طایفه‌ای از یکی از کوچه‌ها حرکت کردند<sup>(۱)</sup>. خلاصه این تشبیه این است که تمام معجزاتی که برای موسی بن عمران علیه السلام ثابت بود؛ برای امام جواد علیه السلام هم ثابت می‌باشد، هر چند نقل اعجازی که رساننده این شباهت خاص باشد، به دست ما نرسیده است.

اما وجه شبهه بین امام جواد علیه السلام و عیسی ابن مریم علیه السلام در قداست، عفاف و پاکدامنی مادرش ذکر شده است. که مادر هر دو زنانی پاکدامن و مؤمنه بودند<sup>(۲)</sup>.

۱- تفسیر القمی، جلد ۲ صفحه ۱۶۶ و بحار الأنوار، جلد ۱۳ صفحه ۱۶۲.

۲- والده ماجدة آن حضرت ام ولدی بود که او را سببیکه می‌گفتند و حضرت امام رضا علیه السلام او را خیزران نامید و آن معظمه از اهل نوبه و از اهل بیت ماریه قطیه مادر ابراهیم علیه السلام پسر



شبهات دیگری که میان حضرت عیسی و حضرت امام جواد علیه السلام وجود دارد این است که مانند حضرت عیسی علیه السلام که در طفولیت به مقام نبوت رسید؛ امام جواد علیه السلام هم در سنین طفولیت و نوجوانی به مقام امامت نائل شد. داستان چنین است که مریم با طفلی که در آغوش داشت؛ به میان مردم بازگشت. بین مردم شایع شد که او خلاف کرده و مرتکب عمل زنا شده است؛ لذا مردم او را مورد عتاب و خطاب قرار داده و گفتند:

﴿يَا أُخْتِ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعِيًّا﴾<sup>(۱)</sup>.

ای خواهر هارون! تو رانه پدری ناصالح بود و نه مادری بدکار.

حضرت مریم علیها السلام در برابر این سخنان گزنده مأمور به سکوت بود و تنها اشاره به گهواره می کرد که هر کسی سؤالی دارد از این طفل بپرسد.

﴿فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا﴾<sup>(۲)</sup>.

مریم به او اشاره کرد؛ گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوییم؟

با وجود تعجب مردم از این واکنش به عیسی علیه السلام که طفل سه روزه بود، دستور داده شد که سخن بگوید و عیسی علیه السلام در جواب فرمود:

→ حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود، آن مخدره از افضل زنهای زمان خود بود و اشاره فرموده به او حضرت رسول صلی الله علیه و آله در قول خود «بأبي ابن خيرة الاماء النوبية الطيبة» (پدرم به قربان پسر بهترین کنیزان که از اهل نوبه و پاکیزه است)، و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است یزید بن بسیط را که سلام آن حضرت را به او برساند. (منتهی الامال، صفحه ۹۳۷).

۱- سوره مریم، آیه ۲۸.

۲- سوره مریم، آیه ۲۹.

﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا﴾<sup>(۱)</sup>.

همانا من بنده خاص خدایم او کتاب آسمانی به من داده و مرا پیامبر قرار داده است.

اگر عیسی علیه السلام در حالی که تنها سه روز از ولادتش گذشته می‌تواند در همان طفولیت به مقام نبوت برسد؛ چرا بعید باشد که امام جواد علیه السلام در نه سالگی به مقام امامت نائل شوند؟ برگزیده خداوند شدن در سنین کودکی شباهت دیگری است که میان آن پیامبر و این امام علیه السلام به چشم می‌آید.

### زمینه سازی برای امامت حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سنین بالا به مقام نبوت برانگیخته شدند. همین طور امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام در سنین بالا به مقام امامت نائل شدند. ولی اولین امامی که در سنین طفولیت و نوجوانی به مقام امامت رسید، امام جواد علیه السلام بودند و بعد از ایشان هم امام هادی علیه السلام در سن ۷ سالگی به مقام امامت رسیدند. این استعداد در همه امامان علیهم السلام موجود بود که بتوانند در سنین طفولیت به مقام امامت برسند، ولی زمینه آن فراهم نبود و مردم ظرفیت پذیرش آن را نداشتند. ولی از زمان امام جواد علیه السلام باید این زمینه فراهم می‌شد؛ لذا این استعداد بروز کرد. این انتصاب‌ها در سنین طفولیت شاید به این جهت بود که مقدمه‌ای برای پذیرش امامت امام مهدی (عجل الله فرجه الشریف) در سن ۵ سالگی باشد.

۱- سوره مریم، آیه ۳۰.

## منزل امام جواد علیه السلام پایگاهی برای همه شیعیان

بعد از شهادت امام رضا علیه السلام مردم گروه گروه به دیدار امام جواد علیه السلام می آمدند. آنها سؤالات شرعی خود را مطرح نموده و پاسخ می گرفتند. به هر جهت خانه، خانه پیامبر صلی الله علیه و آله است. خانه امام صادق علیه السلام است که در آن بیش از چهارهزار شاگرد و عالم رفت و آمد داشته اند. با توجه به این شرایط، امکان نداشت درب چنین خانه ای مسدود شده و مردم از رفت و آمد باز داشته شوند، به خصوص که طبق نقل برخی از روایات، شهادت امام رضا علیه السلام در ۲۳ ذی القعدة واقع شده بود<sup>(۱)</sup>؛ یعنی درست در زمانی که تمام مسلمانان از کشورهای اسلامی به زیارت خانه خدا می آمدند و در اثنای زیارت، برای عرض تسلیت نزد امام جواد علیه السلام می آمدند. علاوه بر آن در چنین وضعی، این خبر در مکه و مدینه شایع شده بود که مأمون، امام رضا علیه السلام را به قتل رسانده است. مأمون با اینکه از ذکاوت و تیزهوشی خاصی برخوردار بود و امام رضا علیه السلام را به حيله ای به قتل رسانیده بود اما از یک طفل نه ساله به شدت وحشت داشت. او طبق خبرهایی که از جاسوسان حکومتی دریافت می کرد از رفت و آمد مردم به خانه امام جواد علیه السلام بیم و هراس فراوانی در دل داشت. به همین دلیل تنها کاری که به ذهنش رسید این بود که امام جواد علیه السلام را از مدینه دور کرده به دربار حکومتی احضار کند.

### تشکیل مجالس در منزل امام جواد علیه السلام

از زمان شهادت امام رضا علیه السلام تا زمان احضار و تبعید امام جواد علیه السلام دو سال فاصله بود. در این مدّت مردم به خانه امام جواد علیه السلام رفت و آمد زیادی داشته و مسائل علمی و فقهی خود را مطرح می نمودند. یکی از این مجالس عمومی که با حضور امام جواد علیه السلام تشکیل شد، این گونه روایت شده است:

«لَمَّا مَاتَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا علیه السلام حَجَّجْنَا فِدْخَلَنَا عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام وَقَدْ حَضَرَ خَلْقٌ مِنَ الشَّيْعَةِ وَمِنْ كُلِّ بَلَدٍ لِيَنْظُرُوا إِلَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِدْخَلَ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى وَكَانَ شَيْخًا كَبِيرًا نَبِيلاً عَلَيْهِ ثِيَابٌ خَشْنَةٌ وَبَيْنَ عَيْنَيْهِ سَجَادَةٌ، فَجَلَسَ وَخَرَجَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام مِنَ الْحَجْرَةِ وَعَلَيْهِ قَمِيصٌ قَصَبٌ وَرِدَاءٌ قَصَبٌ وَنَعْلٌ جَدِيدٌ بِيضَاءُ فَقَامَ عَبْدِ اللَّهِ فَاسْتَقْبَلَهُ وَقَبَّلَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَقَامَتِ الشَّيْعَةُ وَقَعَدَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام عَلَى كُرْسِيِّ وَنَظَرَ النَّاسَ بَعْضَهُمْ إِلَى بَعْضٍ وَقَدْ تَحَيَّرُوا لَصَغَرِ سُنَّةِهِ؛

پس از درگذشت امام رضا علیه السلام به حج رفتیم و به منزل امام جواد علیه السلام وارد شدیم، و گروهی از شیعیان از شهرهای مختلف گرد آمده بودند که امام جواد علیه السلام را ببینند. در این هنگام عموی امام جواد علیه السلام عبدالله بن موسی وارد شد که مردی مسن و با هیبت بود و لباسی زبر بر تن داشت و نشانه سجده بر پیشانی او بود. در این حال امام جواد علیه السلام از داخل منزل بیرون آمدند و لباس و عبایی از کتان بر تن داشتند و کفشی

نو و سفید به پا داشتند. عبدالله ابن موسی از جا برخاست و به استقبال ایشان رفت و پیشانی امام جواد علیه السلام را بوسید، و همه شیعیان از جا برخاستند و امام جواد علیه السلام بر روی منبری نشستند. مردم به یکدیگر نگاه می کردند و از سنّ کم امام جواد علیه السلام در حیرت فرو رفته بودند.

فابتدر رجل من القوم، فقال لعمّه: أصلحك الله! ما تقول في رجل أتى بهيمة؟ فقال: تقطع يمينه ويضرب الحدّ، فغضب أبو جعفر عليه السلام ثمّ نظر إليه فقال: يا عمّ! اتق الله، اتق الله، إنّه لعظيم أن تقف يوم القيامة بين يدي الله عزّوجلّ فيقول لك: لم أتيت الناس بما لا تعلم؟ فقال له عمّه: أستغفر الله يا سيّدي؛

فردی از شیعیان در آغاز رو به عبدالله بن موسی کرد و گفت: خداوند شما را نگهدارد نظر شما در مورد مردی که با چارپایی نزدیکی کند چیست؟ عبدالله گفت: دست راست او را باید قطع کرد و او را تازیانه زد. امام جواد علیه السلام خشمگین شدند و فرمودند: ای عمو! تقوای خدا را پیشه کن! تقوای خدا را پیشه کن، به درستی که سخت است روزی که در قیامت در برابر خداوند بایستی و از تو بپرسد: چرا به آن چه نمی دانی فتواداده ای؟ عبدالله عرض کرد: خدا از من بگذرد ای سیّد و بزرگ من.

أليس قال هذا أبوك عليه السلام؟ فقال أبو جعفر عليه السلام: إنّما سئل أبي عن رجل نبش قبر امرأة فنكحها، فقال: أبي تقطع يمينه للنّيش ويضرب حدّ الزّنا فإنّ حرمة الميّتة كحرمة الحيّة؛

آیا پدر بزرگوارتان چنین نظری ندادند؟ امام جواد علیه السلام فرمودند: پدر من در مورد نبش کردن قبر زنی و همبستر شدن با او فرمودند: دست راست او را باید قطع کرد و حدّ زنا بر او جاری شود، چراکه زنا با مرده حرمتی همانند زنا با زنده دارد.

فقال: صدقت يا سيدي! وأنا أستغفر الله. فتعجب الناس وقالوا: يا سيدينا أتأذن لنا أن نسألك؟ قال: نعم، فسألوه في مجلس عن ثلاثين ألف مسألة فأجابهم فيها وله تسع سنين»<sup>(۱)</sup>.

عبدالله عرض کرد: راست گفתי ای سید من، و من توبه می‌کنم. سپس شیعیان عرض کردند: ای مولا و سید ما! آیا اجازه می‌دهید پرسش‌هایمان را از شما سؤال کنیم؟ امام علیه السلام فرمودند: آری، و مردم در آن مجلس سی هزار سؤال پرسیدند و امام جواد علیه السلام به همه پرسشهای آنان پاسخ دادند در حالی که عمر شریفشان نه سال بود.

البته از شرایط کامل مجلس هیچ اطلاعی در دست نیست، ولی ممکن است امام کلیاتی را مطرح کرده باشند که از آنها سی هزار سؤال استخراج می‌شود یا اینکه پاسخ سؤالات کوتاه و در حدّ بله و خیر بوده است.

### احضار و تبعید امام جواد علیه السلام به بغداد

مأمون بر اساس اخبار جاسوسان خویش از این که منزل امام جواد علیه السلام به

۱- الاختصاص، صفحه ۱۰۳ و بحار الأنوار، جلد ۵۰ صفحه ۸۵.

پایگاه بزرگ شیعیان تبدیل شود به وحشت افتاد. او به خوبی می‌دانست که مردم شیفتهٔ امام جواد علیه السلام شده‌اند و ممکن است بر ضد دستگاه حکومت شورش کنند؛ لذا امام جواد علیه السلام را به بغداد فرا خواند.

وقتی امام جواد علیه السلام وارد بغداد شدند، مشاهده فرمودند که عده‌ای از بچه‌ها در کوچه مشغول بازی هستند. امام علیه السلام به قصد بازی، خود را به بچه‌ها رسانید. کمی بعد درب‌های قصر مأمون باز شد و معلوم شد مأمون قصد شکار دارد. در این هنگام همهٔ بچه‌ها پا به فرار گذاشتند ولی امام علیه السلام از جای خود حرکت نکردند تا این که مأمون به امام جواد علیه السلام رسید و گفت: چرا تو فرار نکردی؟ امام علیه السلام فرمودند: «گناهی نکرده بودم که از عقوبت آن هراس و واهمه‌ای داشته باشم». مأمون سؤال کرد: تو کیستی؟ امام جواد علیه السلام فرمودند: «من محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام هستم». مأمون متوجه شد تحفه‌ای را که به دنبال اوست یافته است و در فکر این بود که چگونه امام علیه السلام را مهار کند؟ او به دنبال راهی بود که امام جواد علیه السلام نزد مردم از مقام و موقعیت خاصی برخوردار نشود. در نهایت تنها تصمیمی که به ذهنش رسید این بود دخترش امّ فضل را به ازدواج ایشان درآورد تا کاملاً امام علیه السلام را تحت نظر داشته باشد. این تصمیم مأمون با مخالفت قوم بنی‌العباس روبرو شد. قومی که حدود سی و سه هزار نفر بودند. آنها گفتند: ما از زمانی که پدرش امام رضا علیه السلام از دنیا رفته، کمی راحت شده‌ایم ولی تو باز می‌خواهی از بنی‌هاشم در دربار خلافت بهره‌مند شوی! آنها معتقد بودند که امام جواد علیه السلام طفلی بیش نمی‌باشد و آگاهی و دانش فراوانی ندارد و از مأمون خواستند تا حداقل کمی به او مهلت دهد تا آداب دربار را فرا بگیرد. مأمون گفت:

من از این طفل چیزی را سراغ دارم که شما آن را نمی‌دانید، و اگر در آگاهی و دانش او شک دارید می‌توانید مجلسی، همانند مجلس پدرش تشکیل داده و او را مورد امتحان و آزمایش قرار دهید.

### مناظره امام جواد علیه السلام با یحیی بن اکثم

سرسختی‌ها و مخالفت‌های بزرگان بنی عباس باعث شد تا مناظره‌ای با حضور یحیی بن اکثم ترتیب داده شود تا طی آن مسائلی از امام علیه السلام سؤال شود و ایشان علیه السلام از نظر علمی مورد آزمایش قرار گیرند.

«أنّ المأمون بعد ما زوج ابنته أمّ الفضل أبا جعفر علیه السلام كان في مجلس وعنده أبو جعفر علیه السلام و يحيى بن أكثم وجماعة كثيرة، فقال له يحيى بن أكثم: ما تقول يا بن الرسول الله في الخبر الذي روي أنه نزل جبرئيل علیه السلام على رسول الله صلى الله عليه وآله وقال: يا محمد! إن الله عزّوجل يقربك السّلام ويقول لك: سل أبابكر هل هو عنّي راضٍ فإنّي عنه راضٍ؛

بعد از اینکه مأمون دخترش امّ فضل را به همسری امام جواد علیه السلام در آورد، در مجلسی حضور یافت که امام جواد و یحیی بن اکثم و تعداد کثیری از علما حضور داشتند. پس یحیی بن اکثم سؤال کرد: یا بن رسول الله! نظر شما در مورد این خبر چیست؟

همانا جبرئیل علیه السلام بر پیامبر صلى الله عليه وآله نازل شد و گفت: ای محمد! خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌گوید از ابابکر سؤال کن آیا از من راضی می‌باشد؟ من از او راضی هستم.



فقال أبو جعفر: لست بمنكر فضل أبي بكر ولكن يجب على صاحب هذا الخير أن يأخذ مثال الخبر الذي قاله رسول الله ﷺ في حجة الوداع «قد كثرت عليّ الكذّابة وستكثر فمن كذب عليّ متعمداً فليتبؤ مقعده من النار فإذا أتاكم الحديث فاعرضوه على كتاب الله وسنتي فما وافق كتاب الله وسنتي فخذوا به وما خالف كتاب الله وسنتي فلا تأخذوا به».

امام جواد عليه السلام فرمودند: من منكر فضیلت ابوبکر نیستم ولی آیا راوی این خبر، خبری دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مشاهده کرده است که ایشان فرمودند: دروغ گویان بر من زیاد شده‌اند و زیاد هم می‌شوند. پس کسی که عمداً بر من دروغ ببندد جایگاه او پراز آتش می‌شود. زمانی که حدیثی به شما رسید آن را بر کتاب خدا و سنت من عرضه کنید. پس خبری که موافق با این دو بود را بپذیرید و خبری که مخالف آن دو بود را رها نمایید.

ولیس یوافق هذا الخبر کتاب الله: قال الله تعالی: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسُّوسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾<sup>(۱)</sup>.

و این خبر با کتاب خداوند موافق نمی‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید: «ما انسان را خلق کرده‌ایم و از وساوس و اندیشه‌های نفس او کاملاً آگاهیم ما از رگ گردن او به او نزدیک‌تریم».

فالله عزوجلّ خفي عليه رضا أبي بكر من سخطه حتى سأل من مكنون سرّه؟ هذا مستحيل في العقول؛

۱-سورة ق، آیه ۱۶.

پس آیا رضایت ابوبکر بر خداوند مخفی مانده که از راز دل او سؤال کرده؟ این قول طبق نظر عقل هم درست نمی باشد.

ثم قال يحيى بن أكرم: وقد روي أنّ مثل أبي بكر وعمر في الأرض كمثل جبرئيل وميكائيل في السماء؛

سپس يحيى ابن اکرم گفت: روایت شده که: مثل ابی بکر و عمر در زمین مانند مثل جبرئیل و میکائیل در آسمان است.

فقال: وهذا أيضاً يجب أن ينظر فيه لأنّ جبرئيل وميكائيل ملكان لله مقربان لم يعصيا الله قطّ ولم يفارقا طاعته لحظة واحدة وهما قد أشركا بالله عزّوجلّ وإن أسلما بعد الشرك وكان أكثر أيامهما في الشرك بالله فمحال أن يشبّههما بهما.

امام عجلای فرمود: در این حدیث هم باید دقت شود؛ زیرا جبرئیل و میکائیل دو ملک مقرب خداوند هستند که اصلاً خدا را معصیت نکردند و لحظه ای از اطاعت خدا روی گردان نشدند. در حالی که عمر و ابو بکر در اوائل عمر مشرک بودند، گرچه بعداً اسلام آوردند. بیشتر ایام عمر این دو نفر در شرک سپری شد. پس محال است که خدا این دو را به دو ملک مقرب خود تشبیه نمایند.

قال يحيى: وقد روي أيضاً أنّهما سيّدا كهول أهل الجنّة فما تقول فيه؟

يحيى گفت: روایت شده که عمر و ابو بکر آقای پیرمردان اهل بهشت هستند. نظر شما چیست؟

فقال عجلای: وهذا الخبر محال أيضاً لأنّ أهل الجنّة كلّهم يکونون شباباً ولا

يكون فيهم كهل وهذا الخبر وضعه بنو أمية لمضادة الخبر الذي قال رسول الله ﷺ في الحسن والحسين بأنهما سيّدا شباب أهل الجنة .

امام عليّؑ فرمودند: این خبر هم محال می باشد به خاطر اینکه اهل بهشت همگی جوان هستند و در میان آنها پیر وجود ندارد. این خبر را بنی امیه در مقابل خبر پیامبر ﷺ جعل کردند، رسول خدا ﷺ در مورد حسن و حسین [علیهما السلام] فرمودند: آنها آقای جوانان اهل بهشت می باشند.

فقال يحيى بن أكثم: و روي أنّ عمر بن الخطّاب سراج أهل الجنة؛

پس يحيى بن اڪثم گفت: روایت شده که عمر ابن خطّاب، چراغ و روشنایی اهل بهشت می باشد.

فقال عليّؑ: وهذا أيضاً محال؛ لأنّ في الجنة ملائكة الله المقربين و آدم و محمّد و جميع الأنبياء والمرسلين لا تضيّ بأنوارهم حتّى تضيّ بنور عمر؟!

امام عليّؑ فرمودند: این خبر هم محال است. به خاطر اینکه در بهشت، ملائکه مقرب خدا، حضرت آدم و محمّد ﷺ و همه انبياء و مرسلین هستند. حال آیا با نور آنها روشنی حاصل نمی شود که به نور عمر نیازی باشد؟!

فقال يحيى: وقد روي أنّ السكينة تنطق على لسان عمر، فقال عليّؑ: لست بمنكر فضائل عمر ولكنّ أبابكر أفضل من عمر فقال على رأس المنبر: إنّ لي شيطاناً يعتريني فاذا ملت فسددوني؛

باز یحیی گفت: روایت شده که عمر با آرامش و سکینه سخن گفته و رفتار می‌کند. امام علیه السلام فرمودند فضائل عمر را انکار نمی‌کنم اما ابوبکر افضل از عمر بود ولی با این حال روی منبر گفت: شیطانی در وجود من هست که من را وسوسه می‌کند پس زمانی که از راه مستقیم مایل شدم مرا استوار نگه دارید.

فقال یحیی: قد روی أن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: لولم أبعث لبعث عمر. فقال علیه السلام کتاب الله أصدق من هذا الحدیث. یقول الله فی کتابه: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ﴾<sup>(۱)</sup>. فقد أخذ الله ميثاق النبيين فكيف يمكن أن يبذل ميثاقه وكان الأنبياء علیهم السلام لم يشركوا طرفة عين فكيف يبعث بالنبوة من أشرك وكان أكثر أيامه مع الشرك بالله وقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: نبئت وأدم بين الروح والجسد؛

باز یحیی گفت: روایت شده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اگر من به پیامبری برانگیخته نمی‌شدم حتماً عمر مبعوث می‌شد. پس امام علیه السلام فرمودند: کتاب خدا از این حدیث راستگوتر است. خداوند می‌فرماید: «ما از همه پیامبران و از تو و نوح عهد و پیمان گرفتیم» پس خداوند از انبیا عهد و پیمان گرفته، پس چگونه ممکن است که عهد خود را تغییر دهد؟ از طرفی انبیا حتی یک لحظه مشرک نشدند. پس چگونه کسی پیامبر شود در حالی که بیشتر ایام عمرش

۱-سوره احزاب، آیه ۷.

در شرک سپری شده است. و پیامبر ﷺ فرمودند: پیامبر شدم در حالیکه آدم بین روح و جسد بود.

فقال يحيى بن أكرم: وقد روي أن النبي ﷺ ما احتبس الوحي عني قط إلا ظننته قد نزل على آل الخطاب. فقال عائشة: وهذا محال أيضاً لأنه لا يجوز أن يشك النبي في نبوته، قال الله تعالى: ﴿اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ﴾<sup>(۱)</sup> فكيف يمكن أن تنتقل النبوة ممن اصطفاه الله تعالى إلى من أشرك به.

يحيى بن اكرم گفت: روایت شده پیامبر ﷺ فرمودند: هرگز وحی از من دور نشد مگر اینکه گمان کردم بر آل خطاب نازل شده است. امام عائشه فرمودند: این هم محال است به خاطر اینکه بر پیامبر جایز نیست که در نبوت خود شک کند. خداوند متعال می فرماید: «خداوند از میان ملائکه و مردم پیامبرانی را برگزید» پس چگونه ممکن است که نبوت از کسی که خدا او را برگزیده منتقل شود به کسی که مشرک به خدا بوده است.

قال يحيى بن أكرم: روي أن النبي ﷺ قال لو نزل العذاب لمانجأ منه إلا عمر، فقال عائشة: وهذا محال أيضاً. إن الله تعالى يقول: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾<sup>(۲)</sup> فأخبر سبحانه أن لا يعذب أحداً ما دام فيهم رسول الله ﷺ وما داموا

۱- سوره حج، آیه ۷۵.

۲- سوره انفال، آیه ۳۳.

یستغفرون الله تعالی»<sup>(۱)</sup>.

یحیی گفت: روایت شده اگر عذاب خدا نازل شود کسی به غیر از عمر از آن نجات نمی یابد. امام علیه السلام در جواب فرمودند: این مطلب هم محال است. خداوند متعال می فرماید: «ولی (ای پیامبر) تا تو در میان آنها هستی خداوند آنان را عذاب نخواهد کرد و نیز تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند. پس خداوند متعال خبر داده تا زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان مردم باشد، عذاب نمی شوند و تا زمانی که از گناهان خود استغفار کنند، عذاب بر آنها نازل نمی شود.

روایتی که ذکر شد گوشه ای از برتری علمی امام جواد علیه السلام را ترسیم نمود. و این علم سرشار موجب شد که راویان زیادی از امام جواد علیه السلام بدون واسطه روایت نقل کنند. همچنین چند تن از صحابه امام جواد علیه السلام جزء اصحاب اجماع می باشند مانند: احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی شیخ القمیین، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی؛ که در مکتب امام رضا علیه السلام و امام هادی علیه السلام دانش اندوخته است، احمد بن محمد بن خالد برقی و ابراهیم بن شیبیه اصفهانی<sup>(۲)</sup>.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

۱- بحار الأنوار، جلد ۵۰ صفحه ۸۰.

۲- ابراهیم بن شیبیه، اصالتاً اهل کاشان است و یکی از یاران امام جواد علیه السلام بشمار می رود. (معجم رجال الحدیث، جلد ۱ صفحه ۲۳۵).

## خودآزمایی

- ① حدیث لوح، امام جواد علیه السلام را چگونه معرفی می‌کند و ایمان آورندگان آنها چه جایگاهی دارند؟
- ② چرا سخن گفتن از فضایل اهل بیت علیهم السلام کاری دشوار می‌نماید؟
- ③ سه مورد از فضایل امام جواد علیه السلام را بیان کنید.
- ④ راویانی که از امام جواد علیه السلام روایت کرده‌اند چه تعداد هستند؟
- ⑤ امام رضا علیه السلام فرزند خویش را به کدام یک از پیامبران تشبیه می‌فرمایند و وجه شباهت بین ایشان چیست؟
- ⑥ دیگر وجه شباهت بین حضرت عیسی و امام جواد علیه السلام چه بود؟
- ⑦ امامت حضرت جواد علیه السلام در ۹ سالگی با توجه به نبوت حضرت عیسی علیه السلام چگونه توجیه می‌شود؟
- ⑧ منصوب شدن امام جواد علیه السلام و ائمه علیهم السلام پس از ایشان به امامت در دوران طفولیت چگونه زمینه را برای امامت حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) فراهم می‌کند؟
- ⑨ چرا مأمون امام جواد علیه السلام را به دربار احضار کرد؟
- ⑩ چند مورد از روایات مجعولی را که یحیی بن اکثم نقل نموده و امام علیه السلام آنها را رد کردند، بیان کنید.

یحیی گفت: روایت شده اگر عذاب خدا نازل شود کسی به غیر از عمر از آن نجات نمی‌یابد. امام علیه السلام در جواب فرمودند: این مطلب هم محال است. خداوند متعال می‌فرماید: «ولی (ای پیامبر) تا تو در میان آنها هستی خداوند آنان را عذاب نخواهد کرد و نیز تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند. پس خداوند متعال خیر داده تا زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان مردم باشد، عذاب نمی‌شوند و تا زمانی که از گناهان خود استغفار کنند، عذاب بر آنها نازل نمی‌شود.

(صفحه ۲۲ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت: ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۷۲۲۷۰۸ می‌باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

### محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷\_۴۴۴۹۹۳۳ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)



به سوی معرفت ۷۴

۲۵